

اعلموا

تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (۲)

- حروف «لَمْ، لَ، لا» بر سر فعل‌های مضارع می‌آیند و معنای آن را تغییر می‌دهند.
- حرف «لَمْ» فعل مضارع را به «ماضی ساده منفی» یا «ماضی نقلی منفی» تبدیل می‌کند؛ مثال:

يَسْمَعُ: می‌شنود لَمْ يَسْمَعْ: نشنید، نشنیده است

تَذْهَبُونَ: می‌روید لَمْ تَذْهَبُوا: نرفتید، نرفته‌اید

تَكْتُبْنَ: می‌نویسید لَمْ تَكْتُبْنَ: ننوشتید، ننوخته‌اید

- حرف «لِ امر» بر سر فعل مضارع به معنای «باید» است و چنین فعلی معادل «مضارع التزامی» در فارسی می‌باشد؛ مثال:

نَرْجِعُ: برمی‌گردیم لِنَرْجِعْ: باید برگردیم

يَعْلَمُونَ: می‌دانند لِيَعْلَمُوا: باید بدانند

- در کتاب عربی پایه نهم با حرف «لای نهی» بر سر فعل مضارع مخاطب (دوم شخص) آشنا شدید؛ مثال:

تَيَأْسُ: ناامید می‌شوی لَا تَيَأْسُ: ناامید نشو

تُرْسِلُونَ: می‌فرستید لَا تُرْسِلُوا: نفرستید

- همین حرف «لای نهی» اگر بر سر سایر ساخت‌های فعل مضارع بیاید، به معنای «نباید» و معادل «مضارع التزامی» در فارسی است؛ مثال:

يُسَافِرُونَ: سفر می‌کنند لَا يُسَافِرُوا: نباید سفر کنند

- حروف «لَمْ، لَ، لا» در انتهای فعل مضارع تغییراتی ایجاد می‌کنند.^۱

۱- آشنایی با این تغییرات از اهداف آموزشی کتاب نیست؛ اما خوب است بدانید این حروف (که حروف جازمه نام دارند)، نشانه انتهای فعل‌های «يَفْعَلُ، تَفْعَلُ، أَفْعَلُ و نَفْعَلُ» را تغییر می‌دهند. ← «... يَفْعَلُ، ... تَفْعَلُ، ... أَفْعَلُ و ... نَفْعَلُ»

و حرف نون را در انتهای فعل‌های «يَفْعَلُونَ، يَفْعَلَانِ، تَفْعَلَانِ، تَفْعَلُونَ و تَفْعَلَيْنِ» حذف می‌کنند. این ... کُل ظاهر دو فعل جمع مؤنث «يَفْعَلْنَ» و «تَفْعَلْنَ» هیچ تغییری ایجاد نمی‌کنند.

۱ ﴿لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾ التَّوْبَةُ : ٤٠

۲ ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾ الرَّعْدُ : ١١

۳ ... لَا تَظْلِمُ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ وَأَحْسِنُ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إِلَيْكَ.

الإمام عليّ عليه السلام

چند نکته:

■ نکته (۱) : فعل نهی همان فعل مضارع است.

■ نکته (۲) : ترجمه فعلی مانند «لِيَعْلَمُوا» فقط در جمله و در متن امکان پذیر است؛

مثال:

تَكَلَّمْتُ مَعَ أَصْدِقَائِي لِيَعْلَمُوا كَيْفَ يُمَكِّنُ لَهُمْ أَنْ يَنْجَحُوا فِي بَرَامِجِهِمْ.

با دوستانم سخن گفتم تا بدانند چگونه برایشان امکان دارد که در برنامه هایشان موفق شوند.

قَالَ الْمُدِيرُ: إِنَّ الْإِمْتِحَانَاتِ تُسَاعِدُ الطُّلَابَ لِتَعَلُّمِ دُرُوسِهِمْ فَلِيَعْلَمُوا ذَلِكَ وَ عَلَيْهِمْ أَنْ لَا يَخَافُوا مِنْهَا.

مدیر گفت: آزمون ها دانش آموزان را برای یادگیری درس هایشان کمک می کند و باید این را بدانند و بر آنان لازم است که از آن نترسند.

■ نکته (۳) : حرف «لِ» بر سر ضمیرها به «لَ» تبدیل می شود؛ مثال:

لَهُ، لَهَا، لَهُمْ، لِهِنَّ، لَهُمَا، لَكَ، لِكُمْ، لَكُمْ، لَنَا.

در «لي» این گونه نیست.

■ **نکته (۴)** : تاکنون با دو نوع حرف «لِ» آشنا شده‌اید، یکی بر سر اسم (ضمیر نیز اسم محسوب می‌شود) و دیگری بر سر فعل مضارع می‌آید؛ تشخیص معنای هر یک فقط داخل متن امکان دارد:

۱- «لِ» به معنای «مال، از آن» مانند «لِمَنْ تِلْكَ الشَّرِيحَةُ؟»؛ یعنی «آن سیم کارت مال کیست؟»
«لِ» به معنای «برای» مانند «اشْتَرَيْتُ حَقِيبَةً لِلسَّفَرِ»؛ یعنی «چمدانی برای سفر خریدم».

«لِ» به معنای «داشتن» مانند «لي شَهَادَةٌ فِي الحَاسِبِ»؛ یعنی «مدرک رایانه دارم».
۲- «لِ» به معنای «باید» مانند «لِنَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ»؛ یعنی «باید به خدا توکل کنیم».
«لِ» به معنای «تا» مانند «ذَهَبْتُ إِلَى المَتَجَرِّ لِأَشْتَرِيَ بَطَارِيَّةً لِجَوَالِي»؛ یعنی «به مغازه رفتم تا باتری برای تلفن همراهم بخرم».

حرف «لِ» پس از حرف‌هایی مانند «و، فَ» معمولاً ساکن می‌شود؛ مثال:

فَ + لِ + يَعْمَلُ = فَلْيَعْمَلْ: پس باید انجام دهد.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرَجِمِ العِبَارَاتِ التَّالِيَةَ حَسَبَ القَوَاعِدِ.

۱ ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ الْفَاتِحَةُ: ۲

۲ بُعِثَ النَّبِيُّ ﷺ لِيَهْدِيَ النَّاسَ.

۳ لِنَسْتَمِعَ إِلَى الكَلَامِ الْحَقِّ.

جَوَازَاتُ؟ ۱۱۲ / ۹۱



التمرين الأول: ضَع في الفَراغِ كَلِمَةً مُناسِبَةً لِلتَّوضِيحَاتِ التَّالِيَةِ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ.

١- الَّذِي لَا رَجَاءَ لَهُ لِلنَّجَاحِ فِي هَدَفِهِ:

.....

٢- أَصْبَحَ فَقِيرًا وَ لَا ثَرَوَةً لَهُ:

.....

٣- الَّذِي حُزْنُهُ كَثِيرٌ:

.....

٤- الْأُسْرَةُ وَ الْأَقْرِبَاءُ:

.....

٥- أَعْطَاهُ الطَّعَامَ:

.....



التمرين الثاني: أَكْمِلْ تَرْجَمَةَ الْآيَاتِ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

١- ﴿لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ﴾ أَلطَّاق: ٧

توانمند از توانمندی خودش **الْمَجْرُورَ بِحَرْفِ جَرٍّ**

٢- ﴿وَلَا يَحْزُنكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾ يُونُس: ٦٥

سخنشان تو را ؛ زیرا ارجمندی، همه از آن خداست. **الْفَاعِلَ**

٣- ﴿وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ...﴾ الْأَنْعَام: ١٢١

و از آنچه نام خدا بر آن نخورید. **نَائِبَ الْفَاعِلِ وَ الْمُضَافَ إِلَيْهِ**

٤- ﴿أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا...﴾ ق: ٦

آیا مگر به آسمان بالای سرشان که چگونه آن را ساخته ایم؟! **الْفِعْلَ الْمُضَارِعَ وَ صِيغَتَهُ**

۵- ﴿أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ...﴾ التَّوْبَةُ: ۱۰۴

آیا که تنها خداست که از بندگانش توبه را می‌پذیرد؟ **الْجَارُ وَالْمَجْرورَ**

۶- ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ أُولَئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ أَجْرَهُمْ...﴾ النساء: ۱۵۲

و کسانی که به خدا و فرستادگانش ایمان آوردند و میان هیچ یک از آنان
[خدا] مرزدهایشان را به آنها خواهد داد. **الْمَفْعُول**

الْتَّمِرِينَ الثَّلَاثُ: اِقْرَأِ الْآيَاتِ الثَّلَاثَةَ، ثُمَّ انْتَحِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ.

۱- ﴿... عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ آل عمران: ۱۲۲

الف) مؤمنان تنها باید بر خدا توکل کنند.

ب) مؤمنان فقط به خدا توکل می‌کنند.

۲- ﴿قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا...﴾ الْحُجْرَات: ۱۴

بادیه‌نشینان گفتند: ...

الف) ... «ایمان می‌آوریم.» بگو: «ایمان نمی‌آورید؛ بلکه بگویید: در سلامت می‌مانیم.»

ب) ... «ایمان آوردیم.» بگو: «ایمان نیاورده‌اید؛ بلکه بگویید: اسلام آوردیم.»

۳- ﴿أَوَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ...﴾ الزُّمَر: ۵۲

الف) آیا ندانسته‌اند که خدا روزی را برای هرکس بخواهد، می‌گستراند؟

ب) آیا نمی‌دانند که خدا روزی را برای هرکس بخواهد، فراوان می‌کند؟

۱- يُؤْتِي: می‌دهد ۲- أَجور: مرزدها «مفرد: أَجْر» ۳- أَسْلَمَ: اسلام آورد

۴- ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ * اللَّهُ الصَّمَدُ * لَمْ يَلِدْ * وَلَمْ يُولَدْ * وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾

سورة الإخلاص

بگو: او خداوند یکتاست، خدا بی نیاز است ...

- الف) ... نمی زاید و زاده نمی شود و کسی همانندش نیست.
- ب) ... نزاده و زاده نشده و کسی برایش همتا نبوده است.

۵- ﴿... فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ * الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ * وَأَمَّنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ﴾

سورة قُرَيْشٍ

پس پروردگار این خانه را...

- الف) ... می پرستند؛ زیرا در گرسنگی خوراکشان داد و از ترس [دشمن] در امان نهاد.
- ب) ... باید پرستند، همان که در گرسنگی خوراکشان داد و از بیم [دشمن] ایمنشان کرد.



- ۱- الصَّمَدُ: بی نیاز
 ۲- وَلَدٌ: زاید (مضارع: يَلِدُ)
 ۳- الْكُفُوُ: همتا
 ۴- أَطْعَمَ: خوراک داد
 ۵- الْجُوعَ: گرسنگی
 ۶- آمَنَ: ایمن کرد، ایمان آورد

التمرين الرابع: تَرَجِّمِ الْجُمْلَةَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الدَّرْسِ، ثُمَّ عَيِّنْ صِيغَةَ الْأَفْعَالِ فِيهَا.

١- لا تَرْجِعْ إِلَى بَيْتِكَ:

٢- لَمْ يَرْجِعْ صَدِيقِي:

٣- أَخَوَاتِي لَمْ يَرْجِعْنَ:

٤- لا يَرْجِعْ صَدِيقِي:

٥- أُخْتِي لا تَرْجِعُ:

التمرين الخامس: اِنتْخِبِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

١- أنا فِي السَّنَتَيْنِ الْمَاضِيَتَيْنِ. لَنْ أُسَافِرَ لَمْ أُسَافِرْ لِكِي أُسَافِرَ

٢- عَلَيْكَ بِالْمُحَاوَلَةِ، وَ فِي حَيَاتِكَ. أَنْ تَتَأَسَّ كِي تَتَأَسَّ لا تَتَأَسَّ

٣- أريدُ إِلَى سَوْقِ الْحَقَائِبِ. أَنْ أُذْهَبَ لَمْ أُذْهَبْ إِنْ أُذْهَبَ

٤- هُوَ إِلَى الْمَلْعَبِ غَدًا. لَنْ يَرْجِعَ مَا رَجَعَ لَمْ يَرْجِعْ

٥- مَنْ يَنْجَحُ فِي أَعْمَالِهِ. لا يَجْتَهِدُ لا يَجْتَهِدُ يَجْتَهِدُ

الْتَّمَرِينَ السَّادِسُ: عَيْنِ الْبَيْتِ الْفَارِسِيِّ الَّذِي يَرْتَبِطُ بِالْحَدِيثِ فِي الْمَعْنَى.

۱- الْمُؤْمِنُ قَلِيلُ الْكَلَامِ كَثِيرُ الْعَمَلِ. الْإِمَامُ الْكَاطِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۲- الْعَالِمُ بِلا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلا ثَمَرٍ. رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

۳- أَمَرَنِي رَبِّي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِأَدَاءِ الْفَرَائِضِ. رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

۴- عداوةُ العاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صداقةِ الجاهِلِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۵- الدَّهْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَيَوْمٌ عَلَيْكَ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۶- خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا. رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

الف) کم کوی و کزیده کوی چون دُر	تا زانکدک توجان شود پُر (نظامی گنجه‌ای)
ب) علم کز اعمال نشانیش نیست	کالبدی دارد و جانیش نیست (امیر خسرو دهلوی)
ج) اندازه نگه دار که اندازه نکوست	هم لایق دشمن است و هم لایق دوست (سعدی)
د) روزگار است آن که که عزت دهد که خوار دارد	چرخ بازیگر ازین بازیچه بسیار دارد (قائم مقام فرغانی)
ه) آسایش دو کیتی تفسیر این دو حرف است	بادوستان مروت بادشمنان مدارا (حافظ)
و) دشمن دانا که غم جان بود	بهر از آن دوست که نادان بود (نظامی گنجه‌ای)

التَّمْرِينُ السَّابِعُ: اُكْتُبْ مُفْرَدًا هَذِهِ الْكَلِمَاتِ.

فَرَائِضُ	مُحَاوَلَاتُ	أَقْرِبَاءُ	أُجُورُ	أَنْفُسُ	أَسْرَى
.....
أَصْفِيَاءُ	أَعْرَاضُ	مَكَارِمُ	جُهَّالُ	أَنْظَارُ	أَصْحَابُ
.....
حَمِيرُ	صَفَحَاتُ	خِصَالُ	أَخْلَاقُ	تَلْمِيزَاتُ	مُبَارِيَاتُ
.....

التَّمْرِينُ الثَّامِنُ: صَعِّعْ عِلَامَةً = بَيْنَ الْمُرَادِفَيْنِ وَ عِلَامَةً ≠ بَيْنَ الْمُضَادِّينِ.

أَهْلُ أُسْرَةٍ	سَلَامٌ حَرْبٌ	يُعِينُ يَنْصُرُ
مَكْرُوبٌ مَخْرُونٌ	ضَاعٌ وُجِدَ	بُعِثَ أُرْسِلَ
حُزْنٌ فَرَحٌ	بَنَيْنَا صَنَعْنَا	طَعَامٌ غِذَاءٌ
آتَى أَخَذَ	ضِيَاءٌ ظَلَامٌ	صِدْقٌ كِذْبٌ

(للتّمرين في المَنزِل) عَيْنِ الْفِعْلِ الْمُنَاسِبِ لِكُلِّ صُورَةٍ.



١- أَسْلَمَ ، يُسَلِّمُ ٢- أَعْجَبَ ، يُعْجِبُ ٣- فَكَّ ، يَفْكُ ٤- أَطْعَمَ ، يُطْعِمُ



٥- سَافَرَتْ ، تُسَافِرُ ٦- نَجَحَتْ ، تَنْجَحُ ٧- نَظَرَتْ ، تَنْظُرُ ٨- أَخَذَتْ ، تَأْخُذُ



٩- عَبَدَ ، يَعْبُدُ ١٠- أَعَانَ ، يُعِينُ ١١- اسْتَمَعَ ، يَسْتَمِعُ ١٢- بَنَى ، يَبْنِي



١٣- خَافَتْ ، تَخَافُ ١٤- بَسَطَتْ ، تَبْسُطُ ١٥- كَتَبَتْ ، تَكْتُبُ ١٦- فَتَشَتْ ، تُفْتَشُ



١٨- مَشَى ، يَمْشِي ١٩- صَعَرَ خَدَّهُ ، يُصَعِّرُ خَدَّهُ ٢٠- صَحِكَ ، يَضْحَكُ



مَعَانِي الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ

■ فعل‌های پرکاربرد «**كَانَ**، **صَارَ**، **لَيْسَ** و **أَصْبَحَ**» افعال ناقصه نام دارند.

■ **كَانَ** چند معنا دارد:

۱- به معنای «بود»؛ مثال: **كَانَ** الْأَبَابُ مُغْلَقًا. در بسته بود.

۲- به معنای «است»؛ مثال: ﴿إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ الْأَخْرَاب: ۲۴
بی‌گمان خدا آمرزنده و مهربان است.

۳- **كَانَ** به عنوان «فعل کمکی سازنده معادل ماضی استمراری»؛ مثال: **كَانُوا** يَسْمَعُونَ: می‌شنیدند.

۴- **كَانَ** به عنوان «فعل کمکی سازنده معادل ماضی بعید»؛ مثال: «**كَانَ** الطَّالِبُ سَمِعَ» و «**كَانَ** الطَّالِبُ قَدْ سَمِعَ» به این معناست: «دانش‌آموز شنیده بود».

۵- «**كَانَ**» بر سر «**لِ**» و «**عِنْدَ**» معادل فارسی «داشت» است؛ مثال:
كَانَ لِي خَاتَمٌ فَضَّةً. انگشتر نقره داشتم. **كَانَ** عِنْدِي سَرِيرٌ خَشْبِيٌّ. تختی چوبی داشتم.
مضارع **كَانَ** «يَكُونُ» به معنای «می‌باشد» و امر آن «**كُنْ**» به معنای «باش» است.

■ **صَارَ** و **أَصْبَحَ** به معنای «شد» هستند. مضارع **صَارَ** «يَصِيرُ» و مضارع **أَصْبَحَ** «يُصْبِحُ» است؛ مثال:

﴿... أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً﴾ الْحَجَّ: ۶۳

از آسمان آبی را فرو فرستاد و زمین سرسبز می‌شود.

نَظَّفَ الطُّلَابُ مَدْرَسَتَهُمْ، فَصَارَتِ الْمَدْرَسَةُ نَظِيفَةً.

دانش‌آموزان مدرسه‌شان را تمیز کردند و مدرسه تمیز شد.

■ لَيْسَ یعنی «نیست»؛ مثال:

﴿...يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ﴾ آل عمران: ۱۶۷

بادهان‌هایشان چیزی را می‌گویند که در دل‌هایشان نیست و خدا به آنچه پنهان می‌کنند داناتر است.

وقتی این افعال بر سر جمله اسمیه (که از مبتدا و خبر «ظاهر» تشکیل می‌شود)

می‌آیند، خبر را منصوب می‌کنند؛ مثال:

الْبُسْتَانُ جَمِيلٌ. صَارَ الْبُسْتَانُ جَمِيلاً.

مبتدا و مرفوع خبر و مرفوع فعل ناقص اسم فعل ناقص و مرفوع خبر فعل ناقص و منصوب

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۱): عَيْنِ اسْمِ الْأَفْعَالِ النَّاqِصَةِ وَ خَبَرِهَا.

۱- كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أُسْوَةً حَسَنَةً لِّلْعَالَمِينَ.

۲- صَارَ كُلُّ مَكَانٍ مَمْلُوءًا بِالْأَزْهَارِ الْجَمِيلَةِ.

۳- أَصْبَحَ الشَّاتِمُ نَادِماً مِنْ عَمَلِهِ الْقَبِيحِ.

۴- لَيْسَ الْكَاذِبُ مُحْتَرَمًا عِنْدَ النَّاسِ.

۵- أَلَيْسَ الصَّبْرُ مِفْتَاحَ الْفَرَجِ؟

۱- نَظَّفَ: تمیز کرد

۲- «اسم افعال ناقصه» فقط در حالتِ ظاهر تدریس شده و «خبر مقدّم» نیز تدریس نشده است.

١ ﴿وَ كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ﴾ مريم : ٥٥

٢ ﴿وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾ الإسراء : ٣٤

٣ ﴿... يَقُولُونَ بِأَلْسِنَتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ﴾ الْفَتْح : ١١

٤ ﴿لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَ إِخْوَتِهِ آيَاتٌ لِلِّسَّائِلِينَ﴾ يوسُف : ٧

٥ ﴿وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ

فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا﴾ آل عمران : ١٠٣

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَغَيْرِ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ. ✓ ✗

١- «الْعَمَالُ» يَشْتَغِلُونَ فِي الْإِدَارَةِ، وَ «الْمُوظَّفُونَ» يَعْمَلُونَ فِي الْمَصَانِعِ.

٢- «الطَّبَاشِيرُ» مَادَّةٌ بَيْضَاءُ أَوْ مَلَوْنَةٌ يُكْتَبُ بِهَا عَلَى السَّبَّورَةِ وَ مِثْلِهَا.

٣- «الْمُخَضَّرَةُ» صِفَةٌ لِأَرْضِ ذَاتِ أَشْجَارٍ وَ نَبَاتَاتٍ قَلِيلَةٍ.

٤- «الْوِسَامُ» هُوَ مَا يُعَلَّقُ عَلَى صَدْرِ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا.

٥- الْأَسْتَاذُ آذَرَ يَزْدِي أَشْهُرُ كَاتِبٍ فِي عِلْمِ الْأَحْيَاءِ.

التَّمْرِينُ الثَّانِي: تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ.

١- كُنْتُ أَكْتُبُ إِجَابَاتِي. ٧- يُكْتَبُ مِثْلُ عَلَى الْجِدَارِ.

٢- مَنْ يَكْتُبُ يَنْجَحُ. ٨- قَدْ كُنْتُ عَلَى اللُّوْحِ.

٣- لَا تَكْتُبْ عَلَى الشَّجَرِ. ٩- أَكْتُبُ بِخَطِّ وَاضِحٍ.

٤- كَانُوا يَكْتُبُونَ رَسَائِلَ. ١٠- سَأَكْتُبُ لَكَ الْإِجَابَةَ.

٥- لَمْ يَكْتُبْ فِيهِ شَيْئًا. ١١- لَنْ أَكْتُبَ جُمْلَةً.

٦- أَخَذْتُ كِتَابًا رَأَيْتُهُ.



التمرين الثاني: تَرَجِّمِ الْجُمَلِ التَّالِيَةَ.



١- كُنْتُ أَكْتُبُ إِجَابَاتِي. ٧- يُكْتُبُ مَثَلٌ عَلَى الْجِدَارِ.

٢- مَنْ يَكْتُبُ يَنْجَحُ. ٨- قَدْ كُتِبَ عَلَى اللَّوْحِ.

٣- لَا تَكْتُبْ عَلَى الشَّجَرِ. ٩- أَكْتُبُ بِخَطٍّ وَاضِحٍ.

٤- كَانُوا يَكْتُبُونَ رَسَائِلَ. ١٠- سَأَكْتُبُ لَكَ الْإِجَابَةَ.

٥- لَمْ يَكْتُبْ فِيهِ شَيْئًا. ١١- لَنْ أَكْتُبَ جُمْلَةً.

٦- أَخَذْتُ كِتَابًا رَأَيْتُهُ.

١- ﴿وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيَاسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ﴾ يوسُف: ٨٧

الْجَارُ وَالْمَجْرُورَ

٢- لَيْسَ الْحَلِيمُ مَنْ عَجَزَ فَهَجَمَ، وَإِذَا قَدَرَ انْتَقَمَ، إِنَّمَا الْحَلِيمُ مَنْ إِذَا قَدَرَ عَفَا، وَكَانَ

الْحَلِيمُ غَالِبًا عَلَى كُلِّ أَمْرِهِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
إِسْمَ الْفِعْلِ النَّاقِصِ وَ خَبَرَهُ

٣- مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ أَقْوَى النَّاسِ، فَلْيَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ. الْإِمَامُ الْكَاطِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ
إِسْمَ التَّفْضِيلِ

٤- أَعْظَمُ الْبَلَاءِ انْقِطَاعُ الرَّجَاءِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
الْمُبْتَدَأَ وَ الْخَبَرَ

٥- مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ ذَلَّتْ لَهُ الصَّعَابُ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
نَوْعَ الْفِعْلِ وَ صِيغَتَهُ

التمرين الرابع: تَرْجِمِ الْجُمْلَ التَّالِيَةَ.

١- أريدُ أَنْ أَكْتُبَ تَرْجَمَةَ النَّصِّ مُسْتَعِيناً بِالْمُعْجَمِ.

٢- نَصَحَ الْأُسْتَاذُ طُلَّابَهُ لِيَكْتُبُوا بِخَطِّ وَاضِحٍ.

٣- لَنْ أَكْتُبَ شَيْئاً عَلَى الْأَثَارِ التَّارِيخِيَّةِ.

٤- سَأَكْتُبُ ذِكْرِيَّاتِ السَّفَرَةِ الْعِلْمِيَّةِ.

٥- كَانَ زُمَلَانِي يَكْتُبُونَ رَسَائِلَ.

التمرين الخامس: عَيِّنِ اسْمَ الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ وَخَبَرَهَا.

١- أَلَا، لَيْسَ الظُّلْمُ باقياً.

٢- يُضْبِحُ الْجَوْ حَاراً غَداً.

٣- كَانَ الْجُنُودُ واقفينَ لِلْحِرَاسَةِ.

٤- صارَ الطَّالِبُ عالِماً بَعْدَ تَخْرُجِهِ مِنَ الْجَامِعَةِ.